

## Septuagesimae

Wir liegen vor dir mit unserm Gebet  
und vertrauen nicht auf unsre Gerechtigkeit, sondern auf deine große  
Barmherzigkeit.

ما این را به خاطر رحمت عظیمت از تو درخواست می‌کنیم، نه به خاطر اینکه ما مردمان  
نیکویی هستیم.

Daniel 9,18

### Eingangpsalm (Introitus)

Gesangbuch: 020 (Seite 82)

ستایش داشتی باشه تو خدای پدرها ما. چون  
تو عادل است در کل چیزی که به ما انجام  
دادی

تو را دوست می‌دارم. خداوند پشتیبان من  
است؛ پناهگاه مستحکم من، خدای من  
نجات‌دهنده من است.  
او همانند یک پناهگاه از من محافظت  
می‌کند؛ او مرا حمایت می‌کند و مرا در  
امنیت نگاه می‌دارد.

تو فروتنان را نجات می‌بخشی و اشخاص  
متکبر را سرنگون می‌کنی.

راه خدا کامل و وعده خداوند قابل اطمینان  
است. او حافظ کسانی است که به او پناه  
می‌آورند.

ای خداوند تو از من حمایت نموده و مرا  
نجات دادی؛ توجه تو مرا قوی گردانید، و  
کمک تو مرا حفظ نمود.

خدا پدر و پسر و روح‌القدس جلال بش.

ز اول بود. الان. و تا ابد

Gelobt seist du, Herr, du Gott uns-  
rer / Väter. \* Denn du bist gerecht  
in allem was du an / uns getan  
hast.

Herzlich lieb habe ich dich, Herr,  
meine / Stärke. \* Herr, mein Fels,  
meine Burg, / mein Erretter;  
mein Gott, mein Hort, auf den  
ich / traue,\* mein Schild und Berg  
meines Hei- / les und mein  
Schutz!

Denn du hilfst dem elenden / Volke,  
\* aber stolze Au- / gen erniedrigst  
du.

Gottes Wege sind vollkommen, die  
Worte des Herrn sind durch- / läu-  
tert. \* Er ist ein Schild allen, die /  
ihm vertrauen.

Du gibst mir den Schild deines  
Heils, und deine Rechte / stärkt  
mich, \* und deine / Huld macht  
mich groß.

Ehre sei dem Vater und dem /  
Sohne \* und dem Hei- / ligen  
Geiste,

wie es war im Anfang, jetzt und /  
immerdar \* und von Ewigkeit zu E-  
/ wigkeit. Amen.

## Lesung aus dem Alten Testament

Jeremia 9,22-23 (=23-24)

23 خداوند می‌گوید:  
«افراد دانا نباید به دانش خود بیالند،  
و آدمهای قوی نباید به قدرت خود افتخار کنند،  
و نه اشخاص ثروتمند به ثروت خویش.  
24 اگر کسی می‌خواهد به چیزی بیالد،  
باید به این بیالد که مرا می‌شناسد،  
چون محبت من پایدار است  
و آنچه را راست و درست است، انجام می‌دهم.  
این چیزهایی است که مرا خشنود می‌سازند.  
من خداوند چنین گفته‌ام.»

## Lesung aus einem neutestamentlichen Brief

1. Korinther 9,24-27

24 مگر نمی‌دانید که در مسابقه دو، اگر چه همه شرکت‌کنندگان می‌دوند، ولی فقط یک نفر جایزه می‌گیرد؟ شما نیز طوری بدوید که آن جایزه نصیب شما شود.  
25 ورزشکاری که خود را برای مسابقه آماده می‌کند، سخت می‌کوشد و از زیاده‌روی خودداری می‌کند. آنها چنین می‌کنند تا تاج گلی را که زود پژمرده می‌شود به دست آورند، ولی ما این کار را به خاطر تاجی که تا ابد باقی می‌ماند انجام می‌دهیم.  
26 بنابراین من می‌دوم ولی نه بدون هدف، من مشت می‌زنم اما نه مثل کسی که به هوا مشت می‌زند.  
27 بدن خود را می‌کوبم و آن را تحت فرمان خود در می‌آورم، مبدا پس از اینکه دیگران را به مسابقه دعوت کردم، خود من از شرکت در آن محروم باشم.

## Evangelium

Matthäus 20,1-16

1 «پادشاهی آسمان مانند صاحب تاکستانی است که یک روز صبح زود بیرون رفت تا برای تاکستان خود کارگرانی بگیرد  
2 و بعد از آنکه آنها دربارهٔ مزد روزانه موافقت کردند، آنان را به سر کار فرستاد.  
3 ساعت نه صبح باز بیرون رفت و افراد دیگری را دید که بیکار در بازار ایستاده بودند.  
4 به آنها گفت: 'بروید و در تاکستان من کار کنید و من حق شما را به شما خواهم داد' و آنها هم رفتند.  
5 در وقت ظهر و همچنین ساعت سه بعد از ظهر باز بیرون رفت و مانند دفعات قبل عده‌ای را اجیر نمود.  
6 او یک ساعت پیش از غروب آفتاب باز بیرون رفت و دسته دیگری را در آنجا ایستاده دید، به آنان گفت: 'چرا تمام روز اینجا بیکار ایستاده‌اید؟'  
7 آنها جواب دادند: 'چونکه هیچ‌کس به ما کاری نداده است' پس او به آنان گفت: 'بروید و در تاکستان من کار کنید.'  
8 «وقتی غروب شد صاحب تاکستان به مباشر خود گفت: 'کارگران را صدا کن و مزد همه را بده، از کسانی که آخر آمدند شروع کن و آخر همه به کسانی که اول آمدند.'  
9 آنانی که یک ساعت قبل از غروب شروع به کار کرده بودند پیش آمدند و هر یک مزد یک روز تمام را گرفت.  
10 وقتی نوبت به کسانی رسید که اول آمده بودند آنها انتظار داشتند از دیگران بیشتر بگیرند اما به آنان به اندازه دیگران داده شد.  
11 وقتی کارگران مزد خود را گرفتند شکایت‌کنان به صاحب تاکستان گفتند:  
12 'این کسانی که آخر همه آمده‌اند فقط یک ساعت کار کرده‌اند و تو آنان را با ما که تمام روز در آفتاب سوزان کارهای سنگین را تحمّل کرده‌ایم در یک سطح قرار داده‌ای.'  
13 آن مالک رو به یکی از آنها کرده گفت: 'ای رفیق، من که به تو ظلمی نکرده‌ام. مگر تو قبول نکردی که با این مزد کار کنی؟'  
14 پس مزد خود را بردار و برو. من میل دارم به نفر آخر به اندازه تو مزد بدهم.  
15 آیا حق ندارم که با پول خود مطابق میل خود عمل کنم؟ چرا به سخاوت من حسادت می‌کنی؟'  
16 «به این ترتیب، آخرین، اولین و اولین، آخرین خواهند شد.»